

فصلنامه جُندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۵

## موانع پیشرفت جامعه عصر قاجار از دید سفرنامه‌های رجال عصر قاجار

میترا سعادت<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۲

### چکیده:

یکی از منابع آگاهی‌دهنده پیرامون مشکلات جامعه عصر قاجار، سفرنامه‌های رجال این عصر است که در این میان سفرنامه‌هایی که در مسیر سفر به قلمرو قفقاز و عثمانی نوشته شده اهمیت بیشتری پیدا می‌کند چرا که سفرنامه‌نویس از راه مقایسه جامعه ایران با این جوامع بی به بسیاری از حقایق پیرامون جامعه خویش برده و آنها را در سفرنامه‌اش انعکاس داده است.

این مقاله با روش توصیفی و با تکیه بر سفرنامه‌های رجال عصر قاجار به دنبال بررسی مهم‌ترین موانع پیشرفت جامعه این عصر از دید سفرنامه‌نویسان رجال قاجاری است و دستاوردهای تحقیق نشان می‌دهد که عقب ماندگی ایران در علوم و صنایع مدرن، عدم آموزش نوین در مدارس، عدم تساهل مذهبی در میان مردم ایران و عدم حمایت حکومت و کارگزاران حکومتی از مردم مهم‌ترین موانع پیشرفت انعکاس یافته در سفرنامه‌های این عصر است.

واژگان کلیدی: عصر قاجار، سفرنامه، عثمانی، قفقاز.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱-مقدمه:

جامعه ایران در عصر قاجاریه گرفتار مشکلات متعددی بود که جامعه را از پیشرفت در عرصه‌های مختلف بازداشته بود. شناخت مشکلات و موانع پیشرفت این عصر با بررسی منابع هم‌زمان با آن دوره به دست می‌آید که یکی از این منابع سفرنامه‌های رجال عصر قاجاریه ماست که به دو دسته قابل تقسیم هستند: ۱. سفرنامه‌هایی که تنها شرح سفر در داخل ایران را به تصویر کشیده‌اند، ۲. سفرنامه‌هایی که به شرح سفر در کشورهای خارجی پرداخته‌اند.

در این تحقیق برای بررسی دقیق‌تر مسئله، دایره منابع را محدود کرده و سفرنامه‌های گروه دوم را مدنظر قرار داده و از این میان نیز به سفرنامه‌هایی پرداختیم که در گذر از قلمرو عثمانی و قفقاز نوشته شده بودند.

عثمانی و قفقاز علاوه بر مرزهای مشترک با ایران دارای جامعه مسلمان‌نشین بودند و اشتراکات فرهنگی با ایران داشتند. اما به دلیل به‌کارگیری مظاهر غربی، ظاهری اروپایی کسب کرده بودند و قدم در راه پیشرفت گذاشته بودند. حال رجال سفرنامه‌نویس قاجاری در گذر از قلمرو عثمانی و قفقاز از راه مقایسه جامعه خویش با این جوامع پی به بسیاری از مشکلات و موانع پیشرفت جامعه خویش برده و با تحریر و بررسی آنها منبعی آگاهی‌دهنده برای هم‌عصران خویش فراهم کردند و ما در این تحقیق مشکلات و موانع پیشرفت جامعه قاجار را از دید رجال سفرنامه‌نویس قاجاری بررسی می‌کنیم. در بررسی پیشینه تحقیق، آبراهامیان در کتاب ایران بین دو انقلاب،<sup>۱</sup> کاتوزیان در کتاب دولت و جامعه در ایران،<sup>۲</sup> علی اصغر شمیم در کتاب ایران در دوره سلطنت قاجار،<sup>۳</sup> حسن علیزاده در پایان‌نامه گفتمان عقب‌ماندگی در ایران دوره قاجار،<sup>۴</sup> هر کدام به سهم خویش به بررسی مشکلات و موانع پیشرفت جامعه قاجار پرداخته بودند اما سفرنامه‌های رجال آن عصر را در کنار سایر منابع مورد بررسی قرار داده بودند و تنها بر آنها تکیه نکرده بودند.

۱. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۸۱.

۲. محمد علی کاتوزیان، انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ص ۱۳.

۳. علی اصغر شمیم. ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۳۱۷.

۴. حسن علیزاده، گفتمان عقب‌ماندگی در ایران دوره قاجار. ۱۳۸۷.

## ۲- عقب ماندگی در علوم و صنایع مدرن:

عصر قاجاریه هم‌زمان با اوج دوران رنسانس اروپا بود<sup>۱</sup> و قفقاز و عثمانی به دلیل ارتباط مکرر با روسیه و اروپا<sup>۲</sup> بسیاری از علوم و صنایع مدرن غربی را به کار گرفته و ظاهری اروپایی کسب کرده بودند رفت و آمد تجار و سفرای اروپایی و سکونت آنها در مناطق مختلفی چون استانبول<sup>۳</sup> طرابوزان،<sup>۴</sup> سامسون،<sup>۵</sup> تکورداغی<sup>۶</sup> و غیره به گسترش آداب و رسوم غربی در میان مردم انجامیده بود.<sup>۷</sup>

مهم‌ترین صنایع مدرن به کار گرفته شده در این مناطق از دید سفرنامه‌نویسان ایرانی، راه آهن،<sup>۸</sup> کشتی بخار،<sup>۹</sup> دستگاه ابریشم بافی،<sup>۱۰</sup> کارخانه نفت‌کشی،<sup>۱۱</sup> صنعت چاپ،<sup>۱۲</sup> چراغ‌های گاز سوز برای روشنایی در سطح شهر،<sup>۱۳</sup> آسیاب‌های بادی،<sup>۱۴</sup> و تلمبه‌های آب<sup>۱۵</sup> بودند. توصیف این صنایع و نحوه کارکرد آنها یکی از امور مورد علاقه سفرنامه‌نویسان ایرانی بود به طوری که بخش وسیعی از توصیفات آنها به این امر اختصاص یافته بود.<sup>۱۶</sup>

ایران اگرچه راه‌های ارتباطی درجه یک با اروپا نداشت اما همسایگی با این دو کشور هم باعث نفوذ علوم و صنایع غربی به آن نشده بود<sup>۱۷</sup> به طوری که کشاورزی و صنایع آن هنوز در مراحل ابتدایی قرار داشت<sup>۱۸</sup>

۱. علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۳۶۸.

۲. میرزا محمد حسین فراهانی، سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی، ص ۸۰.

۳. همان، ص ۱۱۲.

۴. حاج سیاح، سفرنامه حاج سیاح به فرنگ، ص ۶۸.

۵. هملن، ص ۶۹.

۶. همان، ص ۳۲۷.

۷. سیف الدوله سلطان محمد، سفرنامه مکه، ص ۱۰۲.

۸. عبدالحسین خان افشار ارومی، سفرنامه مکه معظمه، ص ۵۸.

۹. رضا قلی میرزا، سفرنامه رضا قلی میرزا نوه فتحعلی شاه، ص ۲۸۰.

۱۰. مصطفی افشار بها الملک، سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورگ و تاریخ زندگانی عباس میرزا نایب السلطنه، ص ۱۶۱.

۱۱. میرزاتقی طیب، سفرنامه تفلیس، ص ۲۳.

۱۲. فرهاد میرزا، سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۷۸.

۱۳. همان، ص ۱۱۴.

۱۴. رضا قلی میرزا، سفرنامه رضا قلی میرزا نوه فتحعلی شاه، ص ۲۸۳.

۱۵. یعقوب میرزای تبریزی، سفرنامه حج منصور، ص ۱۱۵.

۱۶. رضا قلی میرزا، سفرنامه رضا قلی میرزا نوه فتحعلی شاه، ص ۲۸۰.

۱۷. علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۳۴۹.

۱۸. همان، ص ۳۶۴.

و صنایع مدرنی هم که وارد ایران شده بود در انحصار حکومت بود و مردم از آن بی بهره بودند.<sup>۱</sup> رجال سفرنامه نویس می دانستند که صنایع مدرن غربی نقش حیاتی در پیشرفت و ترقی ملل قفقاز و عثمانی داشته است اما از این امر حیرت زده بودند که چرا این صنایع در ایران رواج نیافته بود بنابراین عده ای از آنها به دنبال بررسی علت این وضعیت برآمده بودند.

یعقوب میرزای تبریزی حاکمیت را عامل این وضعیت می دانست چرا که از نظر او این وظیفه حاکمیت بود که زمینه آبادانی مملکت را فراهم کند و در این باره چنین نوشته بود: «وارد چناق قلعه شده ... در آن جاها آسیاب های بادی درست کرده اند که با باد کار کرده گندم یا غیره را آرد می نمایند ترکیب که از دور نمایان بود این طور به نظر آمد که باد بر آن چرخ خورده می گرداند ... اوضاع این هم زیاد کم باشد که با سهل و آسانی می توان به ایران آورد که این جزوی می توان ایران را قدری آباد کرد و لیکن چه چاره که هیچ کس در فکر آبادی ایران نیست ... افسوس زیاد بر حالت خودمان خوردیم و لیکن چه کنم که دست من کوتاه خرما بر نخیل».<sup>۲</sup> پس در مواجهه با این وضعیت چون امیدی به دستگاه حاکمیت ایران ندارد درصدد برمی آید که شخصاً این صنایع را وارد ایران کند.<sup>۳</sup> اما فرهاد میرزا که یکی از دولتمردان قاجاری بود به حاکمیت و نقش آن در این باره اشاره ای نکرده و از دیدی دیگر به مسئله نگاه می کند و علل گسترش نیافتن صنایع مدرن را نبود راه های ارتباطی با دول اروپایی می داند و تنها امیدوار است که با گسترش راه های ارتباطی این مشکل برطرف شود.<sup>۴</sup>

### ۳- عدم آموزش نوین در مدارس:

در کنار صنایع مدرن غربی، در مدارس هم علوم جدید و شیوه های نوین آموزشی تدریس می شد و سفرنامه نویسان ایرانی در بازدید از قفقاز و عثمانی، مدارس را به عنوان یک پدیده گردشگری مورد بازدید قرار می دادند و از تعدد مدارس جدید در شهرهای تفلیس،<sup>۵</sup> شماخی،<sup>۶</sup> نخجوان،<sup>۷</sup> استانبول،<sup>۸</sup> سخن گفته

۱ همان، ص ۳۶۶.

۲. یعقوب میرزای تبریزی، سفرنامه حج منصور، ص ۱۲۲.

۳. همان، ص ۱۱۵.

۴ فرهاد میرزا، سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۸۱.

۵ میرزا مصطفی افشار بها الملک، سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورگ و تاریخ زندگانی عباس میرزا نایب السلطنه، ص ۱۶۱.

۶ سیف الدوله سلطان محمد، سفرنامه مکه، ص ۵۶.

۷ خانلر خان، سفرنامه میرزا خانلر خان اعتصام الملک، ص ۱۶.

۸ حاجی پیرزاده، سفرنامه حاجی پیرزاده، ج ۲، ص ۱۱۱.

و به توصیف علوم جدیدی که در این مدارس تدریس می‌شد می‌پرداختند که از این نمونه زبان ترکی،<sup>۱</sup> روسی،<sup>۲</sup> فرانسه،<sup>۳</sup> خطاطی و نقاشی،<sup>۴</sup> رقص،<sup>۵</sup> صنایع دستی، جغرافیا، گیاه‌شناسی، حساب،<sup>۶</sup> هندسه، طب،<sup>۷</sup> علم تشریح انسان و حیوان،<sup>۸</sup> علوم نظامی،<sup>۹</sup> ژیمناستیک،<sup>۱۰</sup> و علوم دینی<sup>۱۱</sup> بودند. امادر ایران بیشتر مدارس هنوز به صورت سنتی اداره می‌شدند و بهره‌وری چندانی نداشتند. عبدالحسین خان افشار ارومی در توصیف یکی از معایب شیوه آموزشی در ایران چنین می‌نویسد: «... بچه‌های مشرق زمین از پنج سال شش سال که بر مکتب بگذارند تا ده سال زحمت می‌کشند تا اینکه حروفات را می‌شناسند بعد از شناختن حروفات باز کمتر کسی می‌شود که املا می‌شود و بعد از ده سال کلام علم را بخواند و بی کلام برود...»<sup>۱۲</sup>. از سوی دیگر مدارس جدید واقع در ایران هم به صورت غیر دولتی و توسط هیئت‌های مذهبی اروپایی و آمریکایی در اوایل قرن سیزدهم هجری ایجاد شده بودند<sup>۱۳</sup> که آنها هم به دلایل مختلف مورد استقبال مردم قرار نگرفته بودند. حاجی سیاح در وصف مشکلات چنین مدرسی، از قول معلمان یکی از این مدارس چنین می‌نویسد: «... من خود اصفهان رفته‌ام آنجا مدرسه باز کردم اهالی ملت ممانعت نمودند و خدا می‌داند غرضی جز خدمت به عموم مردم نداشتیم گذشت از مسلمانان، ارامنه هم می‌گفتند می‌خواهد اطفال ما را کاتولیک نماید و مسلمانان می‌گفتند می‌خواهد اطفال ما را عیسوی نماید و آشوب کردند اگرچه دولت حمایت کرد ولی من خود دیدم محبت به زور نمی‌شود و چاره ای جز بستن مدرسه نیافتم و آن مدت همان مردم می‌آمدند با من مباحثه مذهبی می‌نمودند می‌گفتم من چه کار به دین و آیین شما دارم من می‌گویم بیاید تحصیل کنید... آخر نتوانستم بفهمانم مقصود من

۱ همان، ص ۱۱۲.

۲ سیف الدوله، سفرنامه مکه، ص ۵۷.

۳ مراد میرزا حسام السلطنه، سفرنامه مکه، ص ۸۲.

۴ همان، ص ۸۳.

۵ میرزا مصطفی افشاربهاالملک، سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورگ و تاریخ زندگانی عباس میرزا نایب السلطنه، ص ۱۶۱.

۶ میرزا تقی طبیب، سفرنامه تقی، ص ۵۱.

۷ سیف الدوله سلطان محمد، سفرنامه مکه، ص ۱۰۲.

۸ مراد میرزا حسام السلطنه، سفرنامه مکه، ص ۸۲.

۹ حاجی بیرزاده، سفرنامه حاجی بیرزاده، ج ۲، ص ۱۱۱.

۱۰ مراد میرزا حسام السلطنه، سفرنامه مکه، ص ۸۲.

۱۱ خانلر خان، سفرنامه میرزا خانلر خان اعتصام الملک، ص ۱۶.

۱۲ عبدالحسین خان افشار ارومی، سفرنامه مکه معظمه، ص ۷۰.

۱۳ مونیکا رینگر، آموزش گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ص ۱۲۵-۱۵۶.

چیست پاره‌ای هم که فهمیدند قدرت اظهار نداشتند و اگر کسی هم می‌خواست تحصیل کند علما ملت او را طلبیده طعن و لعن می‌نمودند چنان‌که میان مردم ننگین شود.<sup>۱</sup>

بیشتر کسانی هم که از آموزش‌های جدید برخوردار بودند فرزندان دولتمردان قاجاری بودند که برای آموزش به سایر کشورها فرستاده می‌شدند. بنابراین همه مردم نمی‌توانستند از آموزش‌های جدید بهره‌مند شوند. اولین مدرسه جدید هم بسیار دیرتر از عثمانی و قفقاز آغاز به کار کرد و بنیان‌گذار آن میرزا حسن رشیدی، آن را در سال ۱۲۶۷ هجری در ایروان پایه‌گذاری کرد و این وضعیت تا زمان مظفرالدین شاه ادامه یافت تا اینکه با تشکیل انجمن معارف مدارس جدید گسترش یافتند. اما سفرنامه‌نویسانی مثل حاجی سیاح، چنان از دیدن مدارس و شیوه‌های نوین آموزشی در عثمانی به وجد می‌آید که بی‌درنگ به تحصیل علم روی می‌آورد.<sup>۳</sup>

رجال سفرنامه‌نویس در اینجا نیز پای حکومت را به میان آورده و علت رواج نیافتن آموزش‌های نوین در ایران را عدم حمایت حکومت از علوم جدید می‌دانند و باب‌گله و شکایت از حکومت را باز می‌کنند و این عدم حمایت شامل حال فرهیختگان جامعه هم شده بود و کسانی مثل میرزا حبیب زمان سپهسالار به انگ دهری بودن، از کشور طرد شده بودند در حالی می‌توانستند از علم وی در جهت آبادانی مملکت بهره بگیرند. ح‌اجی پیرزاده در وصف علم او چنین می‌نویسد: «... ترجمه کتاب حاجی بابا را از فرانسه به فارسی نموده بسیار خوب از عهده برآمده ... و انشآت که از خود گفته و کتابها نوشته که الفاظ‌های خوب و مرغوب را به‌طور مضحکه جمع و طبع نموده‌است مثل ایرنامه و چارگاه کس که اصلاحات مخصوص که در ایران متداول است و الفاظ و لغاتی که در افواه عوام و خواص است و کسی آن را ننوشته ... آنها را ضبط و جمع نموده ...».<sup>۵</sup>

#### ۴- عدم تساهل مذهبی در میان مردم ایران:

یکی از مسائل جاری در قلمرو قفقاز و عثمانی هم زیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان مختلف در کنار هم بود که این امر به نوعی تسامح مذهبی در میان مردم منجر شده بود. منطقه قفقاز به خاطر موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی از زمان‌های قدیم مسیر عبور و مرور اقوام مختلفی بوده و همین امر به تنوع نژادی و

۱ حاج سیاح، سفرنامه حاج سیاح به فرنگ، ص ۷۴.

۲ حاجی پیرزاده، سفرنامه حاجی پیرزاده، ج ۲، ص ۱۱۲.

۳ حاج سیاح، سفرنامه حاج سیاح به فرنگ، ص ۷۴.

۴ میرزا تقی طبیب، سفرنامه تفلیس، ص ۵۸.

۵ حاجی پیرزاده، سفرنامه حاجی پیرزاده، ج ۲، ص ۹۶.

زبانی منطقه منجر شده بود<sup>۱</sup> و مسلمانان شیعه و سنی،<sup>۲</sup> نصارا،<sup>۳</sup> مالاغان،<sup>۴</sup> هندو،<sup>۵</sup> ارامنه،<sup>۶</sup> یهود،<sup>۷</sup> این تنوع مذهبی را شکل می‌دادند. عثمانی هم به خاطر موقعیت جغرافیایی و رابطه با دول اروپایی، پذیرای پیروان ادیان مختلفی چون اسلام و یهودیت و مسیحیت بود.<sup>۸</sup>

هم‌زیستی پیروان این ادیان در کنار یکدیگر نتایج جالب توجهی به بار آورده بود که از چشم سفرنامه‌نویسان ایرانی دور نمانده بود. یکی از تبعات این امر تأثیرپذیری ادیان از یکدیگر بود که نمونه جالب توجه آن طایفه مالاغان در قفقاز بود که فراهانی در این باره می‌نویسد: «... گوشت خوک و عرق و شراب و تنباکو و توتون و سیگار و سیر و پیاز و ماهی بی فلس را حرام می‌دانند و سه شبانه روز روزه دارند مرده‌شان را غسل می‌دهند و کفن می‌کنند و نماز بر او می‌خوانند بعضی ختنه را هم جایز می‌دانند و قواعد اسلام را خیلی معمول می‌دارند<sup>۹</sup> و جدای از این، بسیاری از احکام و واجبات دین خود را ترک کرده و چندان پای بند مذهب خویش نبودند مثل مسلمانان عثمانی که تحت تأثیر مسیحیان نماز و روزه را برپا نمی‌داشتند<sup>۱۰</sup> و مسکرات مصرف می‌کردند<sup>۱۱</sup> و احکام طهارت و نجاست را در اماکن عمومی مثل حمام‌ها و هتل‌ها رعایت نمی‌کردند<sup>۱۲</sup> و این هم‌زیستی بر نوع پوشش آنها هم اثر گذاشته و چنان در لباس پوشیدن یک دست شده بودند که نمی‌توانستند تفاوتی میان روس و ارامنه و مسلمانان قائل شوند.<sup>۱۳</sup> حال چنین وضعیتی را با ایران عصر قاجار در نظر بگیرید که تعصبات مذهبی مانع اختلاط ادیان و فرقه‌ها با یکدیگر شده و مرزهای مذهبی رعایت می‌شد<sup>۱۴</sup> و تنش‌های مذهبی نه تنها میان مسلمانان و اقلیت‌های

۱ محمد حسین افشردی، ژئوپلتیک قفقاز و سیاست جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۹.

۲ عبدالحسین خان افشار ارومی، سفرنامه مکه معظمه، ص ۵۲.

۳ سیف الدوله سلطان محمد، سفرنامه مکه، ص ۵۰.

۴ میرزا محمد حسین فراهانی، سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی، ص ۸۶.

۵ فرهاد میرزا، سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۲۹.

۶ میرزا صالح شیرازی، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، ص ۷۱.

۷ همان، ص ۷۲.

۸ سیف الدوله سلطان محمد، سفرنامه مکه، ص ۹۴.

۹ میرزا محمد حسین فراهانی، سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی، ص ۸۶.

۱۰ حاجی پیرزاده، سفرنامه حاجی پیرزاده، ج ۲، ص ۱۱۶.

۱۱ میرزا محمد حسین فراهانی، سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی، ص ۸۰.

۱۲ سیف الدوله سلطان محمد، سفرنامه مکه، ص ۱۰۲.

۱۳ یعقوب میرزا، سفرنامه حج منصور، ص ۴۴.

۱۴ آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۱۶ و ۱۷.

مذهبی<sup>۱</sup> بلکه حتی میان خود مسلمین هم رواج داشت و خانم شیل همسر سفیر انگلیس در خاطرات خود در مورد نزاع شیعه و سنی چنین می‌نویسد: «... ظاهراً از نظر اصول تفاوت عمده ای بین این دو شاخه مذهبی اسلام وجود ندارد ... موارد اختلاف بین این دو مذهب خیلی جزئی است ولی رقابت و عداوت بین آنها در اعلا درجه است»<sup>۲</sup> و آزار و اذیت یهودیان،<sup>۳</sup> آرامنه،<sup>۴</sup> و زرتشتیان بر تعصبات مذهبی دامن می‌زد. حال سفرنامه‌نویسان برآمده از چنین جامعه ای زمانی که وارد قلمرو قفقاز و عثمانی می‌شدند و می‌دیدند چنین جامعه ای با تنوع نژادی و دینی راه‌های پیشرفت و ترقی را طی کرده ولی جامعه مسلمان ایران که از تنوع مذهبی کمتری برخوردار است و هنوز پیشرفتی به خود ندیده به تفکر فرورفته و همین عدم تسامح میان فرق مختلف دینی را علت عدم پیشرفت جامعه خویش می‌دانند و چنین می‌نویسند: «... اکابر دینیه ما چنان عامه رعیت را غرق فناتیک (تعصب) نموده و تحریض به جهل کرده و می‌کنند که اکنون نتیجه بی‌تربیتی آنها به جایی رسیده که از نبود صنایع و علوم و کسب و زراعت و فلاح و تجارت و غیره راه تعیش و زندگی را برای هیچ‌کس متصور نیست و از شدت فقر و بی‌بضاعتی همگی در بیابان‌ها و کوهستانات روسیه و قفقاز و غیره پراکنده شده‌اند و با وجود غربت و بی‌تربیتی در آن مواضع به آسایش و استراحتند چرا باید ملت ایران در میان خود با یکدیگر موافقت نداشته باشند و میان سنی و شیعه به واسطه طعن و لعن همیشه عداوت باشد و در مقام فرصت کمال کوشش در تباهی و نیستی یکدیگر کنند پیامبر آخر الزمان در کجا اهل کتاب یعنی یهود و انصاری را نجس شمرده‌است چرا باید این طوایف را دشمن جان و مال خود قرار داده و حال آنکه اغلب علما آنها را پاک دانسته‌اند...<sup>۵</sup> پیامبر آخر الزمان اهل کتاب را نجس شمرده‌است و احتراز از آنها را جایز ندانسته‌است نجس شمردن و احتراز از آنها مایه قطع مواصلت و موافقت و سبب عداوت باطنیه سایر ملل می‌شود و همگی بر انهدام ملت اسلام موافقت می‌کردند و به تدریج ملت اسلام در میان ملت‌های دیگر ارذل و اخس طوایف و ذلیل‌ترین مردمان می‌گردید».<sup>۶</sup>

۱ لیدی شیل، خاطرات، ص ۱۵۲.

۲ همان، ص ۲۵.

۳ میرزا تقی طیب، سفرنامه تفلیس، ۵۵.

۴ اوژن فلاندن، سفرنامه، ص ۷۵.

۵ میرزا تقی طیب، سفرنامه تفلیس، ص ۴۴.

۶ همان، ص ۴۵.



## ۵- عدم حمایت حکومت و دولتمردان ایران از مردم:

سرزمین قفقاز و عثمانی به دلیل هم‌جواری با ایران همیشه پذیرای بسیاری از ایرانیان بودند که به دلایل مختلفی چون تجارت و بازرگانی،<sup>۱</sup> سفارت،<sup>۲</sup> حج و زیارت عتبات عالیات،<sup>۳</sup> و کسب علم<sup>۴</sup> وارد این دو سرزمین می‌شدند و همیشه گرفتار مشکلاتی بودند که برای رفع آنها نیاز به حمایت از طرف دولت ایران داشتند یک سری از مشکلات آنها مربوط به ناامنی راه‌های قفقاز و عثمانی بود که همیشه راهزنان متعدد اموال و اثاثیه آنان را می‌ربودند و کسی هم جواب‌گوی آنها نبود<sup>۵</sup> و عده‌ای هم از طرف مأموران عثمانی به خاطر مشکوک‌التابعه بودن برای خدمت سربازی به کار گرفته شده بودند و چون فاقد سوابق شناسایی و تابعیت ایرانی بودند نمی‌توانستند به مشکلات خویش رسیدگی کنند<sup>۶</sup> اما مشکلات دیگر آنها از جانب هم‌وطنان ایرانی‌نشان بود که نمونه بارز آن دزدی راهزنان ایرانی از کاروان‌های ایرانی بود و فراهانی در یک نمونه چنین می‌نویسد: «... در این شهر مصیبتی که سخت‌تر از عمل گمرک به جهت حجاج ایرانی است این است که چند نفر دلال ایرانی که از کهنه ارادل و اوباشند در اینجا متوقف گشته و دو دسته شده‌اند ... مشغول راهزنی و اذیت حجاج اند... اینها پول تذکره که مرسوم نیست در اینجا داده شود به اصرار گردن مسافر و حاجی می‌گذارند...<sup>۷</sup> ثانیاً هر منزلی که شخص مسافر در باتوم کرایه کند اگر فرضاً کرایه آن منزل ۵ هزار است اینها به زور و خواهش و سخت‌گویی گردن شخص می‌گذارند که دو تومان بدهد ثالثاً هر چیزی که بخواهد در این جا بخرد قسمی با فروشنده و کسبه کنار می‌آیند که قیمتش دو مقابل تمام می‌شود و اگر مسافر بخواهد چیزی بفروشد این قدر متاع او را می‌شکنند تا نصف بها بفروشد یا هیچی از او کسی نخرد».<sup>۸</sup>

اما مشکل بزرگتر آن جا بود که مأموران دول خارجی ایران نه تنها به مشکلات رسیدگی نمی‌کردند بلکه در چپاول هم وطنانشان پیش قدم بودند. نایب‌الصدر شیرازی در این مورد چنین می‌نویسد: «... از همه ظریف‌تر آدم‌های کارپرداز دولت علیه ایران می‌باشند که شریک دزد و رفیق قافله هستند ... تمام تذکره

۱ میرزا محمد حسین فراهانی، سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی، ص ۸۰.

۲ حسین بن عبدالله سرابی، سفرنامه فرخ خان امین الدوله مخزن الوقایع، ص ۴۶.

۳ احتشام السلطنه، خاطرات، ص ۲۵۰.

۴ حاجی پیرزاده، سفرنامه حاجی پیرزاده، ج ۲، ص ۱۱۲.

۵ احتشام السلطنه، خاطرات، ص ۲۳۹.

۶ همان، ص ۲۴۳.

۷ میرزا محمد حسین فراهانی، سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی، ص ۲۶۱.

۸ همان، ص ۲۶۲.

هر کس را گرفتند سبب را پرسیدند گفتند این تذکره دیگر فایده ندارد باید آدم دو مجیدی و ربع بدهند و تذکره دیگر بگیرند ... از بزرگ گمرک خانه جويا شدم گفت از حجاج ما تذکره مطالبه نمی نمودیم خود وکلای دولت شما با ما راه مداخلی نمودند محض خودشان و تقسیم از این قرار است ربع از این راه را محض رفع اشتباه با مأمورین عثمانی می خورند مابقی وجه حلالی است برای اندوختن<sup>۱</sup> و جالب اینجاست که حکومت ایران از ظلمی که مأموران ایرانی بر اتباعشان روا می دارند آگاهی داشتند ولی به خاطر منفعتی که از راه پیشکش ها و رسومات مأموران بدست می آورند آنها را بازخواست نمی کردند.<sup>۲</sup>

حال چنین وضعیتی را می توان با حمایت هایی که دولت عثمانی از اتباعش انجام می داد مقایسه کرد تا به عمق تفاوت دو جامعه بی برد چنان که عثمانی قوانین حمایت از اتباعش را در مجلس تصویب کرده بود و مهاجران عثمانی که به سرزمین خویش برمی گشتند را مورد حمایت خویش قرار داده و وسایل اسکان آنان را فراهم می کرد<sup>۳</sup> و قانون مساوات میان مسلمانان و غیر مسلمان را اجرا می کرد<sup>۴</sup> و در اینجاست که امین الدوله یکی از علل پیشرفت و ترقی سایر جوامع را حمایت اتباع یک کشور از یکدیگر می داند<sup>۵</sup> و عبدالحسین خان افشار ارومی در جستجوی علل شکل گیری چنین مسئله ای چنین می نویسد: «... در میان صحبت از جانب معین الملک سؤال نمودیم که مأمورین دول خارجه که در خارج هستند این قدر حمایت و جانبداری از تبعه خود می نمایند و رعیت آنها کمال رضامندی را از مأموران خود دارند به خلاف ایران که رعیت ایران در خارجه هستند همیشه شاکی و ناراضی هستند جواب داد: مأمورین دول خارجه که در هر ولایت هستند به قدر کفایت خرج و مواجب دارند لکن مأمورین جزو ایران که در ولایت های کوچک هستند مواجب ندارند که دولت یک هزار تومان به اسم مواجب به مأمورین جزوم می دهند اینجانب این هزار تومان را به کدام یک از مأمورین بدهم که بتواند به آسودگی گذران نموده از تبعه دولت خود بدون طمع حمایت بکند پس لابد هستند باید گذران خود را از این جهات تحصیل نمایند این است که رعیت هم کمال نارضایی را دارند»<sup>۶</sup>.

۱ نایب الصدر شیرازی، تحفه الحرمین سفرنامه نایب الصدر شیرازی در زیارت مکه و سیاحت ایران و هند، ص ۸۸.

۲ احتشام السلطنه، خاطرات، ص ۲۳۶.

۳ حاجی پیرزاده، سفرنامه حاجی پیرزاده، ج ۲، ص ۱۰۰.

۴ فرهاد میرزا، سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۲۵۹.

۵ حسین بن عبدالله سرایی، سفرنامه فرخ خان این الدوله مخزن الوقایع، ص ۶۱.

۶ عبدالحسین خان افشار ارومی، سفرنامه مکه معظمه، ص ۱۰۹.

## نتیجه‌گیری:

یکی از منابع آگاه‌سازی مردم نسبت به مشکلات جامعه خویش در عصر قاجار، سفرنامه‌های رجال عصر قاجار است که در سیاحت از مناطق خارج از ایران، پی به بسیاری از مشکلات جامعه خویش برده و آنها را در سفرنامه‌های خود انعکاس داده بودند و این امر از راه مقایسه وضعیت دو جامعه ایران و سایر جوامع بدست می‌آمد مهم‌ترین مشکلات جامعه ایران از منظر سفرنامه‌نویسان قاجاری، نبود صنایع مدرن غربی برای به کار انداختن اقتصاد کشور و آسایش مردم، عدم حمایت از افراد فرهیخته جامعه و طرد آنها از جامعه و حمایت نکردن اقشار مختلف مردم از آموزش نوین در مدارس، عدم تسامح مذهبی در میان ایرانیان که همیشه منجر به کشمکش‌های فرقه‌ای می‌شد و عدم حمایت حکومت از مردم ایران در عرصه‌های مختلف عنوان شده بود. آنها با انعکاس هر یک از این مشکلات و بررسی علل شکل‌گیری چنین مسائلی سهم مهمی در آگاه‌سازی هم‌عصران خویش داشتند.

## منابع و مأخذ:

- آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۶.
- احتشام السلطنه. *خاطرات*، به کوشش سید محمدمهدی موسوی، تهران: نشر زوار، ۱۳۶۷.
- افشار ارومی، عبدالحسین خان، *سفرنامه مکه معظمه*، به کوشش رسول جعفریان، تهران: نشر علم، ۱۳۸۶.
- افشردی، محمدحسین، *ژئوپولیتیک قفقاز و سیاست جمهوری اسلامی ایران*، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۱.
- حاج سیاح، *سفرنامه حاج سیاح به فرنگ*، به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۳.
- حاجی پیرزاده، *سفرنامه حاجی پیرزاده*، جلد ۲، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- خانلرخان. *سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک*، به کوشش منوچهر محمدی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- رضاقلی میرزا، *سفرنامه رضاقلی میرزا نوه فتحعلی شاه*، به کوشش اصغر فرمانفرمای قاجار، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.

- رینگر، مونیکا، آموزش دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: نشر ققنوس، ۱۳۹۳.
- سرابی، حسین بن عبدالله، سفرنامه فرخ خان امین الدوله مخزن الوقایع، تهران: نشر اساطیر، بی تا.
- سیف الدوله، سفرنامه مکه، به تصحیح علی اکبر خداپرست، تهران: نشر نی، ۱۳۶۴.
- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: نشر زریاب بهزاد، ۱۳۸۷.
- شیل، لیدی، خاطرات، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو، ۱۳۶۲.
- علیزاده، حسن، پایان نامه گفتمان عقب ماندگی در ایران دوره قاجار، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷.
- فراهانی، میرزا محمد حسین، سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی، به کوشش مسعود گلزاری، تهران: نشر فردوسی، ۱۳۶۲.
- فرهاد میرزا، سفرنامه فرهاد میرزا، تصحیح غلامرضا طباطبایی، تهران: نشر علمی، ۱۳۶۶.
- فلاندن، اوژن، سفرنامه، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: نشر اشراقی، ۱۳۵۶.
- مراد میرزا حسام السلطنه، سفرنامه مکه، تهران: نشر مشعر، ۱۳۷۴.
- کاتوزیان، محمدعلی، دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹.
- میرزا تقی طیب، سفرنامه تفلیس، به اهتمام علی اصغر حقدار، تهران: نشر باشگاه ادبیات، ۱۳۹۵.
- میرزا صالح شیرازی، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، ویرایش همایون شهیدی، تهران: نشر راه نو، ۱۳۶۲.
- میرزا مصطفی افشاربها الملک، سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورغ و تاریخ زندگانی عباس میرزا نایب السلطنه، به کوشش محمد گلبن، تهران: کتابخانه مستوفی، ۱۳۴۹.
- نایب الصدر شیرازی، تحفه الحرمین سفرنامه نایب الصدر شیرازی در زیارت مکه و سیاحت ایران و هند، تهران: نشر بابک، ۱۳۶۳.
- یعقوب میرزای تبریزی، سفرنامه حج منصور، به کوشش رسول جعفریان، تهران: نشر علم، ۱۳۸۸.